

# ہفت اقلیم

نگارخانہ  
نشر نگاه معاصر

شر دستانک جیغرا ایشیا نیں نسا شناسد

شر دستان اصلا نی و معصومہ پورتقی

# هفت اقلیم

فرهنگ جغرافیایی شاهنامه

تدوین

فرهاد اصلانی، معصومه پورتقی

ککلسام

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر)

مدیر هنری: باسَم الرسام

حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هُما (امید سیدکاظمی)

لیتوگرافی: نوید

چاپ و صحافی: نادر

نوبت چاپ: یکم، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۱۰۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۸۹-۵۴-۵

نشانی: تهران - مینی سیتی - شهرک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی

تلفن: ۲۲۴۴۸۴۱۹ / پُست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

به یاد

استاد منوچهر ستوده



## فهرست

۹	پیشگفتار استاد خالقی مطلق
۱۱	دیباچه
۱۹۱-۱۷	فرهنگ جغرافیایی شاهنامه
۱۹۳	پی‌نوشت‌ها
۲۲۷	کتاب‌نامه



## پیشگفتار استاد خالقی مطلق

سطری چند در سپاس‌مندی

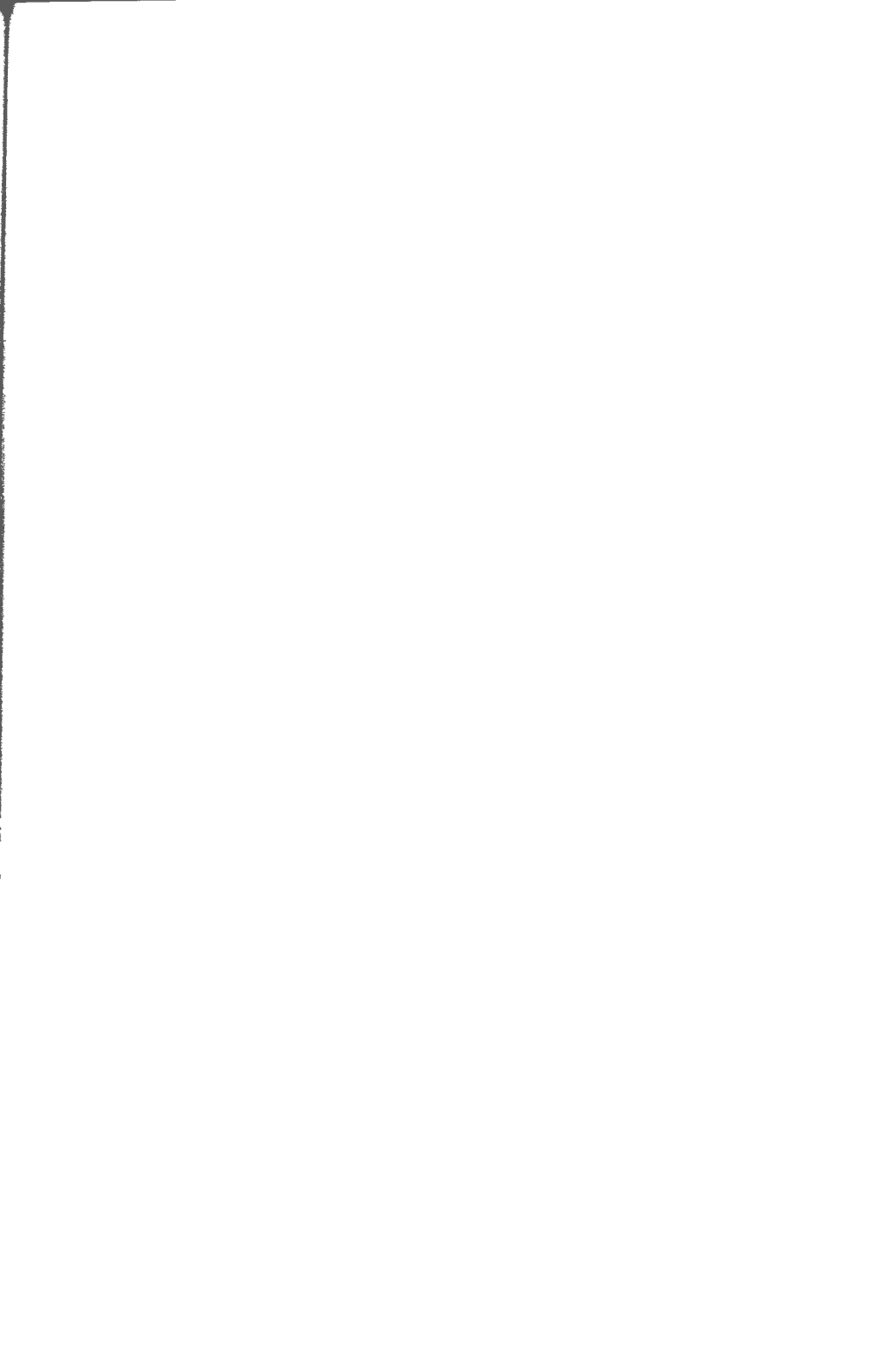
شاهنامه به اقیانوسی می‌ماند پُراز موج و هر موجش پُراز ماهی و نهنگ. من در عمر خود دیده‌ام که هر که با خلوص در این دریا تور انداخت، به گنجایش تور و درجه زور خود بهره‌ای برد. ولی آنکه نیرنگ باخت، موجی برخاست و دام و غلام را برد.

آقای فرهاد اصلانی و همسر ایشان بانو معصومه پورتمقی سال‌هاست که خالصانه سائل این ساحل‌اند و تاکنون چند پژوهش ارزشمند درباره شاهنامه منتشر کرده‌اند. و اکنون این بار در این کتاب که پژوهشی در نام‌های جغرافیایی شاهنامه است، به اتفاق یکدیگر از جابلسا تا جابلق‌ای این اقلیم را درنور دیده و از هر کجا و ناکجای آن حکایتی گفتنی و قصه‌ای شنیدنی با خود آورده‌اند. نگارنده در عین سپاس بسیار از بزرگواری آنها که از این ناچیز نیز یاد کرده‌اند، تألیف این اثر را بر این زوج مهربان دست‌مریزاد می‌گویم و امیدوارم که این کتاب خوانندگان و خوانندگان شاهنامه را در گشودن یکی از دشواری‌های متن آن که همانا چیستی و کجایی جای‌نام‌های آن است، یار و یآوری شایسته باشد.

جلال خالقی مطلق

هامبورگ

مردادماه ۱۳۹۷





## دیباچه

شاهنامه به عنوان حماسه ملی ایران همواره مورد اقبال ایرانیان بوده است. اما شاهنامه چنانچه پیشتر استاد خالقی مطلق بارها اشاره کرده‌اند متنی دشوار آسان‌نماست و فهم آن درگرو درک و شناخت مخاطب از دانش‌های گوناگونی همچون اسطوره‌شناسی، تاریخ، ادبیات، زبان‌شناسی، جغرافیا و... است. دفتر حاضر کوششی است برای درک و شناخت بهتر مواضع جغرافیایی گوناگونی که در شاهنامه ذکر شده‌اند.

توجه به دانش جغرافیا از دیرباز در میان ایرانیان سابقه داشته است. از اشارات جغرافیایی اوستا تا متون پهلوی عهد ساسانی و متن مستقل شهرستان‌های ایرانشهر گرفته و سپس متون پرشمار جغرافیایانویسان عهد اسلامی که از همان قرن سوم هجری رخ نمودند و در قرن چهارم که عصر فردوسی و دولت سامانی بود، رشد چشمگیری داشتند. از مشاهیر آثار جغرافیایانویسان عهد سامانی و روزگار فردوسی می‌توان به این نام‌ها اشاره کرد: المسالک و الممالک جیهانی وزیر نصر بن احمد سامانی که بین سال‌های ۲۷۹-۲۹۵ هجری تألیف شده است، فضائل بلخ اثر ابوزید بلخی (م ۳۲۲ هجری)، تاریخ بخارا نرشخی (م ۳۴۸ هجری) که در سال ۳۳۲ به امیر نوح بن نصر سامانی تقدیم شد، مسالک الممالک اصطخری (م ۳۴۶ هجری)، حدود العالم تألیف نویسنده‌ای ناشناخته در سال ۳۷۲ هجری، احسن التقاسیم مقدسی (م حدود ۳۸۰ هجری)، سفرنامه ابودلف خزرچی (م ۳۹۰ هجری) از درباریان سامانی و تاریخ نیشابور حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هجری) که همگی در تحقیق حاضر مورد استفاده و استناد بوده‌اند.<sup>۱</sup>

اعلام جغرافیایی شاهنامه چند نوع هستند: بخشی از اسامی هنوز با همان نام باقی مانده‌اند و موقعیت جغرافیایی آنها مشخص است؛ مانند آمل، اهواز، بخارا، بلخ، جیحون، خراسان، سمرقند، مرو، نیشابور و غیره. بخشی تغییر نام داده‌اند، مانند آموی، ابرشهر، باورد،

بردع، برکوه، چاچ، خزّه اردشیر و غیره. بخشی از اسامی در منابع ذکر شده و شناخته شده‌اند، اما در طول تاریخ از بین رفته‌اند مانند اسطخر، اندراب، بامین، بلیکان، بیکند، پنجهیر، تیز، خلّخ و غیره. بخشی به مرور فراموش شده‌اند و امروزه مکان آنها مشخص نیست مانند الماس رود، ایتاش، تمور، جرمنه، دز گنبدان تیغ، دز لاژوردین، دشت دغوی، روینه، شاپورگرد، شبدز، شمیران و غیره. برخی از نام‌ها جنبه اساطیری دارند همچون آب حیوان، برگوش، بیداد، سگسار، گرگساران، نرم‌پای، هروم (= شهر زنان)، هفت کشور و غیره. برخی از نام‌ها جنبه افسانه‌ای دارند همچون بهرام‌تل، چاه ارژنگ، شیرچین، چین‌ستان، خُرم، دشت نخچیرگان، هفتخان و غیره. گاهی در شاهنامه صفتی به جای نام جایگاهی ذکر شده است همچون آبادبوم به جای ایران و روم و هروم، کشور خُرم به جای ایران و احتمالاً جادوستان به جای بابل. گاهی اصطلاحی به عنوان نام جای ذکر شده همچون فَمّ الاسد به معنی گرداب که برگرفته از زبان دریانوردان است.

حتی گاهی اوقات در مواردی نادر اطلاع موجود در شاهنامه در باب نام خاصی ممکن است با مطالب تاریخی وفق ندهد و اشتباه باشد. چنانچه شاهنامه بنای شهر پیروزشاپور (= انبار) را به شاپور ذوالاکتاف نسبت داده در حالی که این شهر به دست شاپور یکم ساخته شده و شاهنامه در این مورد گویا روایات تاریخی میان شاپور یکم و دوم را خلط کرده است. چنانچه روایت ظهور مانی را نیز که در دوران پادشاهی شاپور یکم رخ داده، در عهد شاپور ذوالاکتاف نقل کرده است. البته در این‌گونه موارد قابل تصور است که اشکال در منبع شاهنامه وجود داشته و فردوسی نیز ندانسته یا از روی وفاداری به منبع خود، همان مطالب را به نظم درآورده است.

برخی از نام‌ها در شاهنامه ابهام دارند و توضیح مختصر متن کمکی به شناخت جایگاه آنها نمی‌کند. مانند آران، اسپروز، الانی دز، التونیه، خُرم‌آباد و غیره. از جمله علل ابهام مکان در شاهنامه می‌توان به این موارد اشاره کرد: تنوع منابع شاهنامه، پیوند ابهام زمانی با ابهام مکانی، ناشناختگی مرزهای جغرافیایی در روایات کهن، تفاوت نام مکان‌ها در شاهنامه با منابع تاریخی و جغرافیایی، نابودی برخی از شهرها در طول تاریخ، نامشخص بودن محل جغرافیایی برخی از مکان‌ها، تصحیف نام برخی از مکان‌ها، وجود مکان‌های نمادین و دگرگونی در قلمروهای حکومتی.<sup>۲</sup> همین ابهام باعث می‌شود که گاهی بتوان تنها حدس‌هایی در مورد جایگاه برخی نام‌ها ارائه کرد مثلاً در باب آرایش روم، الانی دز، رود آب، رود ری، سبنار، غزدز، وهر و غیره. بالطبع امکان اشتباه در

تشخیص و حدس جایگاه چنین نام‌هایی برای محققان وجود دارد، چنانچه مثلاً امیدسالار ستاباد را که همان کرخ میسان در سواد بوده، همان سناباد طوس نزدیک مشهد پنداشته<sup>۳</sup> یا خالقی مطلق در شرح آلان که همان آلان یا اوست شمالی امروزی است آن را همان ازان یا آلبانیای قفقاز پنداشته که جمهوری آذربایجان فعلی است.<sup>۴</sup>

ابهام در نام‌های مشابهی مانند ابیات ۳۵۵-۳۵۶ و ۳۹۴-۳۹۵ و ۴۱۶ داستان یزدگرد شهریار وجود دارد که خالقی مطلق در باب آنها معتقد است: «ریخت درست برخی از آنها روشن نیست و یا فراموش شده و در همه دستنویس‌ها گشتگی یافته و یا نگارنده آنها را نمی‌شناسد. گویا نام کوه‌ها و دژهایی در نزدیکی طوس باشند. شاید پژوهندگان دیگر بتوانند ریخت درست این نام‌ها را بر ما روشن کنند»<sup>۵</sup> جای برخی از این نام‌ها توسط محققانی مانند سیدی روشن شده، اما محل باقی آنها نامشخص مانده است.

جای برخی از نام‌ها قبلاً اشتباه تشخیص داده شده بود. با تحقیق بیشتر توانستیم جای درست آنها را شناسایی نموده و یا اینکه لااقل حدس‌هایی در موردشان مطرح کنیم: مثلاً آتشکده آذربرزین در فارس را سایر محققان (مثلاً ظروفچی) نشناخته و با آذربرزین مهر در نیشابور اشتباه گرفته‌اند. در باب الانی دز حدس زدیم که شاید قلعه‌ای از استحکامات دربند قفقاز بوده است. در باب آران، جادوستان، دشت آزادگان، رود آب، سبنار، غزدز، مای، وهر و غیره نیز حدس‌هایی زده‌ایم که در جای خود آمده و باید به محک نقد محققان و شاهنامه‌پژوهان سنجیده شوند.

خالقی مطلق در یادداشت‌های شاهنامه در باب برخی از لغات یا ترکیبات نوشته ممکن است اشاره به نام‌هایی داشته باشند، مثلاً شهر و بر. این‌گونه موارد که در واژه‌نامه شاهنامه<sup>۶</sup> نیز با همان ابهام و بدون توضیح بیشتر ثبت شده‌اند، نیاز به تحقیق بیشتر دارند. در این موارد چنانچه خود موفق به ارائه نکات تازه نشده باشیم نیز آنها را از قلم نینداختیم تا راه تحقیق برای دیگر محققان گشوده باشد.

این فرهنگ بر اساس شاهنامه پیرایش دوم استاد خالقی مطلق<sup>۷</sup> تدوین شده است و چنانچه در مواردی برای شرح برخی مطالب ارجاع به پیرایش نخست ایشان<sup>۸</sup> بوده باشد آن را قید کرده‌ایم.

فرهنگ حاضر شامل حدود ۳۵۰ مدخل بدون تکرار است. منظور از بدون تکرار این است که وقتی دو نام یا بیشتر به یک جایگاه واحد اشاره دارند، در نخستین بار توضیح کامل آورده و در موارد بعد، فقط ابیات شاهد را ذکر کرده و برای توضیح به

مدخل نخستین ارجاع داده‌ایم. مثلاً برای شرح «دریای گیلان» ارجاع به مدخل «خزر» شده است.

اساس این فرهنگ فهرست نام‌های در پایان مجلدات شاهنامه پیرایش دوم استاد خالقی مطلق است. البته برخی از نام‌ها از فهرست نام‌های در پایان مجلدات شاهنامه افتاده‌اند، مثلاً دریای سبز، رود کشف، کوش، کوه هند، مافترخان، ناهوشمندان و غیره که این‌گونه موارد به مداخل فرهنگ افزوده شده‌اند.

برخی از نام‌ها در فهرست نام‌های شاهنامه به اشتباه ثبت شده‌اند. مثلاً در فهرست نام‌های بخش دوم (۱۲۰۵) زاوه‌کوه آمده در حالی که طبق شواهد مورد ارجاع، منظور همان راده‌کوه است. یا شهر سوس که در فهرست نام‌های بخش یکم (۹۹۲) آمده، در بخش دوم (۱۲۰۵) به صورت سوسن ثبت شده که طبق شاهد مورد ارجاع، اشتباه بوده و همان سوس مورد نظر است. نام‌های گاه نیز در فهرست نام‌های بخش دوم (۱۲۰۶) به اشتباه در ردیف گاه ثبت شده است. بغمنج نیز در نام‌های بخش دوم (۱۲۰۸) به اشتباه در ردیف یغمیج ثبت شده است.

برخی از نام‌ها نیاز به تصحیح دارند، مثلاً رودابد به زورابد، و شاید سبنار به سنباد. روش ما در تدوین این فرهنگ بدین صورت است که ابتدا به ذکر خلاصه مهم‌ترین اطلاعات در باب مدخل مربوطه براساس تحقیقات معتبر پرداخته، سپس از ارجاع به منابع کهن نیز غافل نشده‌ایم اما نقل قول‌های چندبندی از این متون نیاوردیم و گرنه حجم کتاب به راحتی تا سه برابر افزون می‌شد. در نهایت علاقه‌مندان به آگاهی بیشتر و مفصل‌تر را به معتبرترین آثار موجود در باب موضوع ارجاع داده‌ایم. کفه ترازو در این فرهنگ به سمت استفاده از تحقیقات جدید سنگینی می‌کند و عموم مداخل به لحاظ کتابشناسی مبتنی بر مهم‌ترین و تازه‌ترین تحقیقات شناخته شده در آن زمینه هستند. فهرست منابع پایان کتاب نیز در همین راستا سعی داشته معتبرترین کتب و مقالات تحقیقی در باب نام‌های جغرافیایی شاهنامه را شامل شود. تلاش داشتیم تا تمام منابع و مآخذ موجود را ببینیم، اما در کار بر روی اثری به سنگ شاهنامه نمی‌توان ادعای کمال نمود، امید که مطلب مهمی از دست نرفته نباشد.

برای ثبت ابیات شاهد بجز در مواردی که نام مدخل تنها یک بار در شاهنامه آمده باشد، بیش از دو نمونه نیاوردیم تا بیهوده بر حجم اثر افزوده نشود. در موارد معدودی فهم بیت شاهد وابسته به ابیات پیش یا پس از آن بود که استثنائاً در این‌گونه موارد آن ابیات هم ثبت شده است.

در باب ارجاع به منابع عربی وقتی ارجاع به متن ترجمه فارسی این گروه از منابع باشد عبارت «ترجمه» داخل کمانک قبل از شماره جلد و صفحه ذکر می شود وگرنه ارجاع به همان متن اصل عربی است. در باب کتاب اصطخری در تمام موارد ارجاع به ترجمه فارسی قرن پنجم/ ششم هجری (چاپ ۱۳۶۸) است و در موارد معدودی که ارجاع به ترجمه تستری (چاپ ۱۳۷۳) باشد ذکر شده است. در ارجاع به بیهقی منظور ابن فندق مؤلف تاریخ بیهق است و چنانچه ابوالفضل بیهقی مؤلف تاریخ بیهقی منظور باشد ذکر شده است. درباره مستوفی نیز همواره ارجاع به نزهة القلوب است و چنانچه تاریخ گزیده منظور باشد ذکر شده است. در ارجاع به مقدسی همه جا منظور مؤلف کتاب احسن التقاسیم است و چنانچه منظور مطهر بن طاهر مقدسی و کتاب آفرینش و تاریخ باشد ذکر شده است. در ارجاع به مقالات دانشنامه ایرانیکا<sup>۱۱</sup> از نسخه آنلاین این دانشنامه<sup>۱۱</sup> استفاده شده است.

برخلاف آثار مشابه که سرشار از نقل قول های طولانی از متون کهن هستند<sup>۱۱</sup> به ایجاز مطلب توجه داشتیم و روش مذکور را که گاهی صفحات متعددی را به این گونه نقل قول ها اختصاص می دهد نپسندیده و چنانچه ذکر شد روش دیگری برگزیدیم. البته ۲۰ سال پیش که فرهنگ شهیدی منتشر شد<sup>۱۲</sup> و نخستین تحقیق جدی در نوع خود بود که شامل اسامی جغرافیایی شاهنامه هم می شد، شاید روش مزبور ایرادی نداشت، اما اینک که دو دهه (و طبق تاریخ مقدمه اش نزدیک سه دهه) از آن روزگار می گذرد، شاهنامه پژوهی و مطالعات حوزه های گوناگون ایران شناسی در پیوند با آن، پیشرفت چشمگیری داشته و تلاش فرهنگ حاضر بر این است که این پیشرفت ها را نموده باشد. در آن سال ها به خاطر در دسترس نبودن تصحیحی قابل اعتماد شهیدی مجبور بود به نسخ و چاپ های گوناگونی همچون بروخیم، مول، مسکو و حتی ماکان و فولرس ارجاع دهد که همین عدم یکدستی در ارجاع، ایراد بزرگ آن فرهنگ محسوب می شود. ظروفچی هم که در سال های اخیر نخستین فرهنگ مستقل در باب نام های جغرافیایی شاهنامه را عرضه کرد<sup>۱۳</sup> پیشرفتی در زمینه شاهنامه پژوهی نشان نداد و تقریباً در عموم موارد بازنویسی مداخل شهیدی بود، به ویژه اینکه برای ارجاع به متن شاهنامه نیز چاپ مسکورا برگزیده بود. در متن فرهنگ و فهرست منابع نیز از تحقیقات جدید در حوزه شاهنامه پژوهی خبری نبود.

پس از انتشار شاهنامه با پیرایش استاد خالقی مطلق<sup>۱۴</sup> که حاصل یک عمر تلاش

حیرت‌انگیز و مثال‌زدنی ایشان است، هرگونه اثری در زمینه شاهنامه‌پژوهی باید براساس پیرایش ایشان تألیف شود و گرچه هنوز هم فرهنگ‌هایی براساس چاپ مسکو و غیره منتشر می‌شوند ولی در واقع چنین آثاری را باید پسرقتی در زمینه شاهنامه‌پژوهی به شمار آورد.

مؤلفان فرهنگ حاضر که خود را کمترین شاگردان استاد خالقی مطلق می‌دانند، و پیش از این مجموعه‌ای را در تقدیر از یک عمر تلاش ستودنی ایشان گرد آوردند<sup>۱۵</sup> تقدیر واقعی از استاد را نه در تدوین جشن‌نامه و برگزاری مراسم بزرگداشت - که آن نیز در جای خود سعی مشکوری است - که در تهیه و تألیف آثاری معیار در زمینه شاهنامه‌پژوهی براساس پیرایش استاد خالقی مطلق می‌دانند. دفتر حاضر کوششی مختصر و ناچیز است در این راه، امید که مقبول حضرت استاد، شاهنامه‌پژوهان و دوستداران حکیم طوس افتد.

در پایان ضمن تشکر از آقای دکتر حمیدرضا اردستانی رستمی که زمینه‌ساز چاپ این فرهنگ شدند و جناب آقای اکبر قنبری مدیریت محترم انتشارات نگاه معاصر که با چاپ این کتاب موافقت نمودند، مراتب ارادت و سپاس بیکران خود را به استاد خالقی مطلق ابراز می‌داریم که همواره از راهنمایی‌های ارزنده‌شان بهره‌مند بوده‌ایم و امیدواریم این دفتر ناچیز را به دیده قبول بنگرند.

فرهاد اصلانی - معصومه پورتقی

مرداد ۱۳۹۷